



Analyzing the Components and Indicators of the Market-Oriented University Governance Model: A New Approach in the Green Economy of Higher Education

Nemat Jafarin Awal¹, Hadi Pourshafei^{2*}, Hossain Momenimahmouei³, Amir Amiri Rashkhar⁴

1- Department of Educational Sciences, Torbat Heydarieh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydarieh, Iran.

E-mail: N.Jafarian2025@gmail.com

2- Department of Educational Sciences, Birjand University, Birjand, Iran.

(Corresponding author) E-mail: HPourshafei@birjand.ac.ir

3- Department of Educational Sciences, Torbat Heydarieh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydarieh, Iran.

E-mail: Momenimahmouei@yahoo.com.

4- Department of Educational Sciences, Torbat Heydarieh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydarieh, Iran.

E-mail: amiriamir@mshdiau.ac.ir

Article Info	Extended Abstract
Article type: Research Article	Introduction This study identifies the components and indicators of the market-oriented university governance model, proposing it as a novel approach within the green economy of higher education. With the expansion of higher education systems and escalating environmental challenges, transitioning to a sustainable economic structure in universities has become imperative. Market-oriented governance is posited as a strategic pathway to align academic institutions with green economic principles, enhancing both institutional resilience and societal impact.
Article history: Received: 16 August 2024 Received in revised form: 1 February 2025 Acceptance: 3 February 2025 Published online: 3 October 2025	Literature Review University governance is a complex and contested concept, increasingly influenced by neoliberal philosophies and New Public Management. The shift toward market-oriented models is driven by factors such as massification, internationalization, privatization, and the demand for greater accountability and relevance to labor market needs. Prior research highlights dimensions including stakeholder engagement, financial autonomy, and the commercialization of knowledge, yet a comprehensive synthesis of indicators specific to market-oriented governance within a green economy framework remains underexplored.
Key words : university Governance, Market oriented, Higher Education.	Methodology A qualitative meta-synthesis approach was adopted, following the model by Erwin et al. (2011). From an initial pool of 187 graduate theses and articles published between 2008 and 2023 on market-oriented university governance, 32 studies were purposively selected based on thematic relevance. Data were extracted through qualitative content analysis and thematic synthesis, employing a six-step process to ensure methodological rigor and systematic integration of findings.
	Findings The analysis distilled 49 factors into four overarching dimensions:

1. Communicative-Interactive: Involving intra-organizational, national, and international communications, along with feedback and supervisory standards.
2. Contextual-Environmental: Encompassing green economic drivers and socio-cultural stimuli, including competitive economic ecosystems and social equity considerations.
3. Technical-Structural: Focusing on data and information management, professional-organizational maturity, and structural development foundations such as technology transfer offices and innovation hubs.
4. Political-Legal: Involving cross-sectoral legal development and policy-making authority, including institutional autonomy, privatization policies, and regulatory frameworks supporting market alignment.

Conclusion and Recommendations

The study concludes that a market-oriented governance model, structured around these four dimensions, can facilitate the transition of universities toward green and sustainable economic practices. It promotes financial independence, enhances employability, and strengthens university-industry linkages. Recommendations include establishing technology transfer interfaces, revising curricula to meet market demands, enhancing data management systems, fostering flexible organizational structures, and enacting supportive policies that grant universities greater operational autonomy. Future research should empirically validate the proposed framework across diverse higher education contexts.

Cite this article: Jafarian Awal, H., Pourshafei, H., Momenimahmouei, H., & Amiri Rashkhar, A. (2025). Analyzing the components and indicators of the market-oriented university governance model: a new approach in the green economy of higher education. *Green Management*, 5(2), 115-138.



© The Author(s).

Online ISSN: 2821-0050

Publisher: Islamic Azad University, Aliabad Katoul Branch.
<https://sanad.iau.ir/journal/jgm>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واکاوی مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی حکمرانی دانشگاهی بازارگرا: رویکرد نوین در اقتصاد سبز آموزش عالی

نعمت جعفریان اول^۱، هادی پورشافی^{۲*}، حسین مؤمنی مهموئی^۳، امیر امیری رشخوار^۴

۱- گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران. رایانامه: N.Jafarian2025@gmail.com

۲- گروه علوم تربیتی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول) رایانامه: HPourshafei@birjand.ac.ir

۳- گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران. رایانامه: Momenimahmouei@yahoo.com

۴- گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران. رایانامه: amiriamir@mshdiau.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	پژوهش حاضر با هدف شناسایی شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوی حکمرانی دانشگاهی بازارگرا انجام گرفت. رویکرد پژوهش حاضر کیفی و روش آن فراترکیب براساس مدل اروین و همکاران (۲۰۱۱) است. جامعه پژوهش، متشکل از ۱۸۷ مقاله و پایان-نامه تحصیلات تکمیلی درباره حکمرانی دانشگاهی بازارگرا است که بین سال‌های ۱۳۹۲ شمسی و ۲۰۰۸ میلادی تا ۱۴۰۲ شمسی و ۲۰۲۳ میلادی ارائه شده‌اند. نمونه پژوهش شامل ۳۲ مقاله پژوهشی است که به صورت هدفمند جمع‌آوری و براساس پایش موضوعی داده‌ها انتخاب شده‌اند. داده‌های پژوهش از تحلیل کیفی اسناد مورد مطالعه، گردآوری شده‌اند. بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا در ۴ بُعد و ۴۹ عامل طبقه‌بندی شدند. این ابعاد شامل عوامل ارتباطی-تعاملی (مشمول بر مؤلفه‌هایی چون ارتباطات درون سازمانی و ملی، ارتباطات برون سازمانی و بین‌المللی و استانداردهای بازخوردی-نظارتی)، بُعد سیاسی - قانونی (مشمول بر مؤلفه‌هایی چون توسعه قانونی فرابخشی و اختیارات سیاست‌گذاری)، فنی-ساختاری (مشمول بر مؤلفه‌هایی چون مدیریت داده و اطلاعات، بلوغ سازمانی-حرفه‌ای و مبنای توسعه ساختاری) و زمینه‌ای - محیطی (مشمول بر مؤلفه‌هایی چون محرک‌های اقتصادی و محرک‌های اجتماعی-فرهنگی) می‌باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۱	
کلمات کلیدی: حکمرانی دانشگاهی، بازارگرا، آموزش عالی.	

استناد: جعفریان اول، نعمت؛ پورشافی، هادی؛ مؤمنی مهموئی، حسین و امیری رشخوار، امیر (۱۴۰۴). واکاوی مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی حکمرانی دانشگاهی بازارگرا: رویکرد نوین در اقتصاد سبز آموزش عالی. مدیریت سبز، ۲(۵)، ۱۳۸-۱۱۵.



© نویسندگان.

<https://sanad.iau.ir/journal/jgm>

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول.

الکترونیکی: ۲۸۲۱-۰۰۵۰

مقدمه

رشد روز افزون نظام آموزش عالی و از سویی تنوع در نیازهای جدید نظام آموزشی دانشگاه‌ها نیازمند زمینه‌های اقتصادی پویا برای سیستم آموزش عالی است. معضلات زیست محیطی موجود در عصر حاضر رشد سبز را بیش از هر زمان دیگری در مرکز برنامه‌های سیاسی و اقتصادی دانشگاه‌ها قرار داده است. اما یکی از سؤال‌های اساسی که امروزه مطرح است این است که سیستم اقتصادی یک دانشگاه چگونه می‌تواند سبز شود؟ تبدیل ساختار اقتصادی موجود دانشگاه‌ها، به ساختار سبز یک فرآیند پیچیده است (دورموند^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). اقتصاد سبز روایتی رایج در بحث‌های پایداری سیستم آموزش عالی در سطوح مختلف کلان هستند (ون و مارگینسون^۲، ۲۰۲۳). یکی از رویکردهای نوین در مدیریت سبز اقتصادی در آموزش عالی و دانشگاه‌ها، رویکرد حکمرانی دانشگاهی بازارگرا است (بروکر^۳ و همکاران، ۲۰۱۵).

در دهه‌های اخیر یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که متأثر از اندیشه نئولیبرالیسم، سبب تحولات بنیادین در ساختارها، کارکردها، استانداردهای آموزشی و حرفه‌ای و منابع انسانی و جهت‌گیری کلی سازمانی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی گردیده است؛ بحث حکمرانی دانشگاهی^۴ می‌باشد. در نظرگیری دانشگاه و آموزش عالی به‌مثابه یکی از اصلی‌ترین ارکان توسعه پایدار جوامع موجب شده است که هر تصمیم، طرح، برنامه و سیاستی که بر نحوه کنش‌ها، جهت‌گیری و پیامدهای دانشگاه مؤثر باشد؛ اهمیتی مضاعف یابد. دانشگاه‌ها نقشی راهبردی و سازنده، در خلق، انتشار و کاربرد دانش بر عهده دارند (موک^۵، ۲۰۱۷) و منافع فردی، اقتصادی و اجتماعی آنها، کاملاً پذیرفته شده است (نيسار^۶، ۲۰۱۵). اهمیت استراتژیک آموزش عالی در راستای پاسخ‌دهی به نیازهای نوین اجتماعی - اقتصادی جوامع کنونی، به طور مداوم مورد تأکید نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی^۷، یونسکو^۸ و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۹ بوده است (دونینا^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۴). توصیف دانشگاه، به عنوان نوع خاصی از سازمان‌ها، پیچیده و دشوار است (برادشاو و فريدت^{۱۱}، ۲۰۰۹)، همچنان که مینتزبرگ^{۱۲} در توصیف پیچیدگی دانشگاه‌ها، مفهوم بروکرایی حرفه‌ای را بیان می‌نماید که همزمان در بستری از ساختارهای سازمانی قوی و درجه بالایی از استقلال فعالیت

1-Dordmond

2-Wen & Marginson

3-Broucker

4-University governance

5- Mok

6- Nisar

7- World Bank

8- The United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

9- Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

10- Donina

11- Bradshaw & Fredette

12- Mintzberg

نمایند (دونینا و دیگران، ۲۰۱۵). این پیچیدگی به مباحثی همچون حکمرانی دانشگاهی که مستقیماً دربرگیرنده فعالیت‌ها و سیاست‌های دانشگاه می‌باشد، بازمی‌گردد (برادشاو و فریدت، ۲۰۰۹).

مفهوم حکمرانی دانشگاهی طی دهه‌های اخیر دچار تحولات اساسی شده است (کاپانو، ۲۰۱۱). می‌توان ادعان داشت که خاستگاه تحولات مذکور، به پویایی‌ها و چالش‌های فراروی آموزش عالی و دانشگاه باز می‌گردد. هر چند عمده دلایل تحول این مفهوم به رویدادهایی مانند جهانی‌شدن و فلسفه‌های مرتبط با حکمرانی سیاسی دولت‌ها بازمی‌گردد؛ اما واکاوی ادبیات موضوع، منعکس‌کننده آرا و نظرات اجمالی‌تر اندیشمندان و پژوهش‌گرانی است که چالش‌های فراروی آموزش عالی را در طیفی وسیع‌تر و جزئی‌تر مورد کندوکاو قرار داده‌اند. چالش‌های مذکور در حوزه آموزش عالی بر نحوه حکمرانی و مدیریت دانشگاه‌ها تأثیرات عمیقی بر جای گذاشته است و در عموم موارد موجب تحریک حکمرانی دانشگاه‌ها به گزینش رویکردهای بازارگرا شده است. از جمله مهم‌ترین چالش‌های اخیر می‌توان مواردی همچون ظهور و سیطره یافتن جوامع و اقتصادهای دانش‌بنیان^۲ (بروکر و دیگران، ۲۰۱۵)، رویکرد نوین مدیریت عمومی^۳ (سانتیاگو^۴ و دیگران، ۲۰۱۵)، توده‌ای شدن و همگانی شدن آموزش عالی (لو و تانگ^۵، ۲۰۱۷)، افزایش مقیاس و محدوده پژوهش‌های دانشگاهی، ارتقای پاسخ‌گویی اجتماعی، افزایش شفافیت، کارایی، تجاری‌سازی^۶ و کاربردی نمودن دانش دانشگاهی (بلیکلی و دیگران^۷، ۲۰۱۳)، مسائل بودجه‌ای و تامین مالی دانشگاه‌ها، رقابت‌های فزاینده متأثر از بین‌المللی و جهانی‌شدن دانشگاه‌ها، پیشرفت‌های تکنولوژیکی (یانوزاوا و شیمی^۸، ۲۰۱۵)، خصوصی‌سازی، تمرکززدایی و مقررات‌زدایی آموزش عالی (دی‌بوئر و دیگران^۹، ۲۰۰۷)، بررسی و کنترل بیشتر نظام‌های دانشگاهی (کنگ و اکسیون^{۱۱}، ۲۰۲۱، دابینز، ۲۰۱۷)، افزایش تقاضا برای تناسب و ارتباط بیشتر صلاحیت‌ها و مدارک دانشگاهی با نیازها و خواسته‌های بازار کار (دابینز و همکاران، ۲۰۱۱) را برشمرد.

حکمرانی دانشگاهی مفهومی مناقشه‌آمیز است (کارنگی و تاک^{۱۰}، ۲۰۱۰) و به طور روزافزون بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود (دیلیتی^{۱۲}، ۲۰۱۰). حکمرانی دانشگاهی به معنای روش‌ها و روندهای قانونی است که دانشگاه‌ها کنش‌ها و واکنش‌های خود را هدایت می‌کنند. به بیان دیگر،

1-Capano
2- knowledge societies & Economies
3-New Public Management
4- Santiago
5- Lo & Tang
6- Commercialization
7- Bleiklie
8- Yonezawa & Shimmi
9- DeBoer
10- Kang & Xiong
11- Carnegie & Tuck
12- Delanty

حکمرانی دانشگاهی به عنوان رفتاری مبتنی بر قدرت و اختیار در تخصیص و مدیریت منابع است که شامل تصویب سیاست‌ها، تصمیم‌گیری، کنترل و هدایت سازمان، به منظور افزایش اثربخشی می‌شود (کوئن^۱، ۲۰۱۴).

در سال‌های اخیر رویکردهای متنوعی از حکمرانی دانشگاهی به لحاظ جهت‌گیری غالب در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، معرفی شده است. به عنوان نمونه مدل‌های بازاری^۲ و مرکزی^۳ (سم و سیچ، ۲۰۱۴)؛ مدل‌های هومبولتی^۴، ناپلئونی^۵، آنگلو ساکسونی^۶ و آنگلو امریکن^۷ (آپکاریان و دیگران^۸، ۲۰۱۴)؛ مدل‌های حکمرانی سلسله‌مراتبی^۹، رویه‌ای^{۱۰}، بازار محور و دولتی (کاپانو، ۲۰۲۲) را مدنظر قرار داده‌اند. هر یک از این رویکردها و الگوهای حکمرانی دانشگاهی حائز ویژگی‌هایی خاص بوده است که به نظر می‌رسد برآمده از فرهنگ‌های مختلف و باورمندی‌های تاریخی و فلسفی جوامع می‌باشد؛ اما آنچه را که می‌توان با توجه به مرور مطالعات و تجارب جهانی در بخش آموزش عالی مشاهده نمود؛ تحرک و جنبش تحولات و روند جهت‌گیری‌های آموزش عالی در جهان در راستای گزینش رویکردهای حکمرانی دانشگاهی نوین که تمرکز و هم‌نوایی بیشتری با رویکردهای بازارمحورانه، شبه‌تجاری و کارآفرینانه داشته باشند. بوده است. با توجه به اینکه دانشگاه‌های کشور یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه اقتصادی کشور می‌باشند که سهمی قابل توجه از مسئولیت تربیت افراد و توأمان توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور از این رهگذر، را بر عهده دارد؛ شناخت شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا منجر به تحول در اداره نظام آموزش عالی می‌شود. از سویی بررسی‌های انجام گرفته در نظام آموزش عالی ایران نشان دهنده ارتباط ضعیف دانشگاه با بازار کار بوده و در این زمینه چالش‌های زیادی را دانشگاه‌های کشور متحمل هستند (نقوی و همکاران، ۱۳۹۸ و رضایی قادی و شیرخانی، ۱۳۹۹) با توجه به بررسی پیشینه پژوهشی، پژوهش‌های مختلف هر کدام از یک منظر شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی برای حکمرانی دانشگاهی بازارگرا بیان داشته‌اند و پژوهشی به صورت جامع به تلفیق یافته‌های این پژوهش‌ها پرداخته است از این رو در این پژوهش بر آن شدیم تا با رویکرد فراترکیب به جمع‌بندی و تلخیصی شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا بپردازیم. از این رو سؤال اصلی پژوهش این است که شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا چیست؟

1-Quyên
2- Market Model
3- Centralistic Model
4- Humboldtian Model
5- Napoleonic Model
6- Anglo-Saxon Model
7- Angli-American Model
8- Apkarian et al
9- Hierarchical Mode
10-Procedural Mode

ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

توصیف دانشگاه، به عنوان نوع خاصی از سازمان‌ها، پیچیده و دشوار است (برادشاو و فریدت^۱، ۲۰۰۹)، همچنان که مینتزبرگ^۲ در توصیف پیچیدگی دانشگاه‌ها، مفهوم بروکراسی حرفه‌ای را بیان می‌نماید که هم‌هنگام در بستری از ساختارهای سازمانی قوی و درجه بالایی از استقلال فعالیت می‌کنند (دونینا^۳ و دیگران، ۲۰۱۵). این پیچیدگی به مباحثی همچون حکمرانی دانشگاهی که مستقیماً دربرگیرنده فعالیت‌ها و سیاست‌های دانشگاه می‌باشد، بازمی‌گردد (برادشاو و فریدت، ۲۰۰۹). حکمرانی دانشگاهی مفهومی مناقشه‌آمیز است (کارنگی و تاک^۴، ۲۰۱۰) و به طور روزافزون بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود (دیلیتی^۵، ۲۰۱۰). حکمرانی دانشگاهی به معنای روش‌ها و فرایندهای قانونی است که دانشگاه‌ها امورات خود را هدایت می‌کنند. به بیان دیگر، حکمرانی دانشگاهی به عنوان رفتاری مبتنی بر قدرت و اختیار در تخصیص و مدیریت منابع است که شامل تصویب سیاست‌ها، تصمیم‌گیری، کنترل و هدایت سازمان، به منظور افزایش اثربخشی، می‌باشد (کون^۶، ۲۰۱۴). در زمینه حکمرانی دانشگاهی فلسفه‌ها و نظریه‌های زیادی مورد توجه و تأکید بوده است. از جمله نوین‌ترین رویکردها در مدیریت اقتصادی دانشگاه، رویکرد حکمرانی دانشگاهی سبز و اقتصاد سبز در دانشگاه است (کابانو، ۲۰۲۲). اقتصاد سبز روایتی رایج در بحث‌های پایداری سیستم آموزش عالی در سطوح مختلف کلان هستند (ون و مارگینسون، ۲۰۲۳).

در زمینه مدیریت اقتصادی سبز تعاریف مختلفی ارائه شده است در این زمینه سازمان ملل، مدیریت اقتصادی سبز را به عنوان راهکاری که نتایج آن بهبود رفاه انسانی و برابری اجتماعی در صورت کاهش معنادار مخاطرات زیستی و کمبودهای اکولوژیکی خواهد انجامید تعریف می‌کند (برنامه محیط زیست سازمان ملل^۷، ۲۰۱۱)، همچنین در تعریف دیگری مدیریت اقتصادی سبز را به عنوان یک رویکرد مدیریت اقتصادی بیان نموده‌اند که منجر به بهبود سلامت انسان و کاهش نابرابری در بلندمدت می‌شود، درحالی که نسل‌های آینده را در معرض خطرات محیط زیستی قابل توجه و کمبودهای زیست محیطی قرار نمی‌دهد، ماهیت مدیریت اقتصادی سبز، مدیریت توسعه پایدار اقتصاد با توسعه هماهنگ اکولوژی و اقتصاد است. از منظر حفاظت از محیط زیست، توسعه مدیریت اقتصادی سبز به هدایت جامعه صنعتی برای تحقق انقلاب انرژی در زمینه‌های تولید، گردش و مصرف کمک می‌کند، به طوری که الگوی توسعه گسترده یک کشور «مصرف انرژی بالا، آلودگی بالا و آلاینده‌گی بالا» را می‌توان تغییر داد. از منظر علم مدیریت اقتصاد، «تحول مدیریت سبز» می‌تواند به طور مؤثری توسعه

1-Bradshaw & Fredette

2- Mintzberg

3- Donina et al

4- Carnegie & Tuck

5- Delanty

6- Quyen

7-United Nations Environment Program

فرآیند «تعديل ساختار اقتصادی و تثبيت رشد» را ارتقاء دهد. مدیریت اقتصادی سبز زمینه تحول اقتصادی سازمان و عدالت محور کردن آن مبتنی بر حفاظت زیستی را فراهم می‌آورد (اسکندی ثانی و سفالگر، ۱۴۰۱).

با توجه به چالش‌های زیست محیطی در جهان امروز توجه به مدیریت اقتصادی سبز در فضای آموزش عالی از جمله مهم‌ترین رویکردهای نوین حکمرانی و مدیریت اقتصادی در آموزش عالی شناخته می‌شود (محمودی توپکانلود و معرفت، ۱۴۰۲). فیسی^۱ و همکاران (۲۰۲۰) مدیریت اقتصادی سبز در آموزش عالی را شامل اقتصاد فضانوردی در دانشگاه (حداقل تولید و حداقل مصرف) تعریف کرد. ترن^۲ (۲۰۰۹) مدیریت اقتصادی سبز در دانشگاه را تفکر مجدد در زمینه چگونگی مدیریت اقتصادی دانشگاه با احترام به محیط زیست بیان می‌کند. مدیریت اقتصادی سبز در دانشگاه به عنوان مدیریت اقتصادی توصیف می‌شود که رشد اقتصادی و مسئولیت زیست محیطی دانشگاه با هماهنگی همزمان و در عین حال پشتیبانی از پیشرفت در توسعه اجتماعی؛ با یکدیگر همکاری کنند (کاستلان، ۲۰۱۷). از رویکردهایی که در زمینه اقتصاد سبز آموزش عالی مد نظر بوده، رویکرد حکمرانی دانشگاهی بازارگرا است (بروکر و همکاران، ۲۰۲۲).

ویژگی‌ها و اصول حکمرانی بازارگرا در نظام‌های آموزشی شامل کاهش سریع و گسترده مقررات و تشریفات اداری، دوم افزایش برون-سپاری وظایف، سوم کوچک سازی و چهارم اعتقاد به برتری مکانیزه‌های رقابتی پویا بر بروکراسی و سلسله‌مراتب اداری بیان شده است (فردریکسون، ۱۹۹۹). پولیت (۲۰۰۳) رویکرد بازارگرا و اصلاحات آن در آموزش عالی را شامل تغییر تمرکز از فرآیندها به خروجی‌ها، استفاده از سیستم‌های ارزیابی عملکرد صریح، تخصص‌گرایی در حیطه‌های تخصصی، تأکید بر روابط قراردادگونه در مقایسه با روابط رسمی سلسله‌مراتبی و استفاده از زمینه‌های اقتصادی در راستای حفاظت از منابع اولیه و زیستی بیان داشت.

کاهش تدریجی بودجه دولتی اکنون مؤسسات آموزش عالی را مجبور به جستجوی منابع درآمد اضافی از بازار می‌کند و مفهوم بازارگرایی در حال تقویت است (میترا، ۲۰۰۹)؛ تجارت و صنایع به دنبال تحقیقات دانشگاهی هستند تا منبع جدیدی در زمینه تحقیق و توسعه علمی به آن‌ها ارائه دهند. برای توسعه و تولید محصولات مورد نیاز صنعت می‌توان از آزمایشگاه‌های تحقیقاتی دانشگاه به‌عنوان مراکز منابع اضافی استفاده کرد. این به دانشگاه‌ها کمک می‌کند تا امکانات خود را برای ایجاد درآمد اضافی به کارگیرند و در نتیجه وابستگی به حمایت‌های دولتی را کاهش دهند (ون و مارگینسون، ۲۰۲۳). اقتصاد بازارگرایی در آموزش عالی به‌شدت در حال توسعه و تحول است به‌عنوان نمونه

1-Fissi
2-Tran
3- Kasztelan
4-Frederickson
5- Mitra

در هند، اکثر دانشگاه‌های دولتی با دوره‌های علوم و هنرهای سنتی قادر به جذب دانشجویان با کیفیت خوب نیستند، در حالی که دانشگاه‌های خصوصی و مؤسسات مستقل با ارائه دوره‌های متناسب با نیازهای بازار به سرعت در حال افزایش سهم بازار خود هستند (ویلهاوسویگ، ۲۰۲۲).

در حالت بازار گرای، دانشگاه‌ها ملزم به ایجاد درآمد اضافی از بازار هستند و بنابراین باید نیازهای بازار را تأمین کنند. این خدمات عمدتاً توسط کارکنان دانشگاهی ارائه می‌شود و دانشگاهیان را در معرض چالش‌های دنیای واقعی قرار می‌دهد. برای فعال کردن مبادلات روان‌تر بین دانشگاهیان و کاربران بازار، کارکنان دانشگاهی نیاز به استقلال بیشتری بدون دخالت غیرضروری اداری دارند (بارشوم، ۲۰۲۰). در این زمینه دانشجویان و هم مشتریان شرکتی به خروجی آموزشی و پژوهشی با کیفیت نیاز دارند که توسط کارکنان دانشگاهی و اساتید تولید می‌شود. در حکمرانی دانشگاهی بازارگرا اساتید برای دانشگاه درآمذایی می‌کنند و به همین دلیل، قدرت علمی اساتید برای آن‌ها احترام ایجاد می‌کند و به آن‌ها نقش عمده‌ای در تصمیم‌گیری می‌دهد. نقش مدیریت دانشگاهی بازار گرا باید به جای کنترل اساتید حمایت از آن‌ها باشد (بروکر و دیگران، ۲۰۲۲).

حکمرانی دانشگاهی بازارگرا از جمله رویکردهای حکمرانی دانشگاهی نوین که تمرکز و هم‌نوایی بیشتری با رویکردهای بازارمحورانه، شبه‌تجاری و کارآفرینانه داشته باشند (بروکر و دیگران، ۲۰۲۲). توجه به رویکرد حکمرانی دانشگاهی بازارگرا زمینه تعامل بیشتر دانشگاه با عرصه‌های اقتصادی را فراهم می‌آورد. حکمرانی دانشگاهی بازارگرا از یک سو زمینه استقلال مالی دانشگاه و از سوی دیگر زمینه بهبود فرآیند آینده شغلی دانشجویان را فراهم می‌آورد. در ادامه به نمونه از پیشینه پژوهشی اشاره می‌شود:

ون و مارگینسون (۲۰۲۳) مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا را شامل میزان نقش دولت در هدایت فعالیت‌های دانشگاه؛ توجه به متغیرهایی مانند آزادی علمی در دانشگاه؛ اهمیت دادن به رتبه‌بندی‌های دانشگاهی؛ نقش دانشگاه در کنترل مالی و بودجه‌ای؛ نقش مدیریت دانشگاه در سیاست‌گذاری‌های کلان دانشگاه بیان داشتند.

امیری فرح آبادی و ابوالقاسمی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان سهم و نقش حکمرانی دانشگاهی بازارگرا در تحقق کارکردهای دفاتر انتقال فناوری دانشگاهی در آموزش عالی ایران، با استفاده از رویکرد آمیخته، اکتشافی - تدوین ابزار، در گام نخست و با استفاده از روش کیفی و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته که با خبرگان و صاحب‌نظران دانشگاهی انجام پذیرفت؛ و مبنای پایان یافتن آن نیز رسیدن به اشباع نظری بود؛ ۵۰ شاخص در چهار بعد زمینه‌ای، مالی، علمی و سازمانی، شناسایی نمودند. همچنین با مرور شرح وظایف و مأموریت‌های دفاتر انتقال فناوری ۲۵ عامل در بعد زمینه‌ای، کشف علمی و افشای اختراع، ارزیابی و ثبت اختراع، بازاریابی و اعطای مجوز و راه‌اندازی

استارت‌آپ مدنظر قرار گرفت. در ادامه و در گام کمی پژوهش، با استفاده از روش رگرسیون همزمان، به بررسی سهم و نقش این شاخص‌ها بر کیفیت کارکردهای دفاتر انتقال فناوری دانشگاهی پرداخته شد. آزمون رگرسیون و ضرایب آن گویای آن بود که چهار بعد زمینه‌ای، مالی، علمی و سازمانی توانسته‌اند به ترتیب ۰/۲۲۶، ۰/۲۳۱، ۰/۱۹۸ و ۰/۱۴۳ از واریانس متغیر کارکرد دفاتر انتقال فناوری را تبیین نمایند؛ که در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده است. با توجه به این یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که شاخص‌های حکمرانی بازارگرا در نظام آموزش عالی ایران می‌تواند موجب ارتقای کیفیت کارکردهای دفاتر انتقال فناوری دانشگاهی گردد.

علوی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان طراحی الگوی حکمرانی دانشگاه نسل سوم با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری جامع، که با بهره‌گیری از رویکرد فراترکیب به انجام رسید؛ ضمن شناسایی ابعاد و شاخص‌های الگوی حکمرانی دانشگاه نسل سوم از طریق روش فراترکیب، این ابعاد را از نظر درجه تأثیرگذاری بر یکدیگر نیز با توجه به رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری جامع سطح بندی نمودند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی در قالب ۲۷ شاخص و ۶ بعد قابل دسته‌بندی هستند. این ابعاد و شاخص‌ها شامل استقلال دانشگاهی، مشارکت ذی‌نفعان، پاسخ‌گویی، نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت، شفافیت و مدیریت ریسک می‌باشند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن بود که مشارکت ذی‌نفعان و در عین حال دامنه شفافیت و اطلاعات شفاف بیشترین تأثیر را از سایر ابعاد الگوی حکمرانی می‌پذیرند و شاخص‌های استقلال دانشگاهی در اولین سطح از تأثیرگذاری بر سایر ابعاد الگوی حکمرانی قرار دارند.

نقوی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود به بررسی علل ارتباط ضعیف صنعت با دانشگاه در ایران پرداخته نتایج نشان‌دهنده سه علت اصلی این ارتباط ضعیف، دانشکده‌های تک‌بعدی، صنعت سطحی‌نگر و دولت غافل از بسترسازی است. راهکارها به صورت نظیر به نظیر با علت‌ها مطرح شد که صنعت محور کردن دانش، دانش بنیان کردن صنعت و بسترسازی قانونی دولت را شامل می‌شود.

داداش کریمی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی دیگر تحت عنوان بررسی سیر تحول نظریات حکمرانی در نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها جهت ارتقا بهره‌وری، که به روش کیفی و مروری انجام پذیرفت؛ به بررسی مفهوم حکمرانی دانشگاهی پرداختند. در این راستا پژوهش‌گران ابتدا به الگوهای حکمرانی در آموزش عالی اشاره داشته‌اند و سپس به مقایسه این رویکردهای حکمرانی پرداخته‌اند.

روش شناسی

روش پژوهش حاضر فراترکیب^۱ مطالعات انجام شده در زمینه شاخص‌ها و مولفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا می‌باشد. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی می‌باشد که اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات کیفی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند. در نتیجه، نمونه مورد نظر برای فراترکیب، از مطالعات کیفی منتخب و بر اساس ارتباط آنها با سوال پژوهش ساخته می‌شود. فراترکیب به جای ارائه خلاصه‌ای جامعی از یافته‌ها، یک ترکیب تفسیری از یافته‌ها را ایجاد می‌کند (ساقی، ۱۳۹۶، ص ۶۲). هدف فراترکیب، توسعه تئوری، خلاصه‌سازی در سطح بالا و عمومیت بخشیدن با این هدف که، یافته‌های کیفی را به منظور کاربردهای عملی در دسترس بیشتری قرار دهد (دباغ کاشانی، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

از این رو حوزه پژوهش شامل کلیه مقالات علمی معتبر در زمینه حکمرانی دانشگاهی بازارگرا می‌باشد. از سویی دیگر برای فراهم آوردن اطلاعات مورد نیاز، از فرم کاربرگ طراحی شده توسط محقق برای گزارش و ثبت اطلاعات پژوهش‌های اولیه استفاده گردید. برای بررسی اسناد و مدارک علمی موجود در زمینه پژوهش از تحلیل محتوا به شیوه مقوله‌بندی استفاده شد. داده‌های بدست آمده از این پژوهش بر اساس تحلیل مضمون در سه سطح پایه، مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در پژوهش حاضر، جهت تحلیل یافته‌ها از الگوی شش مرحله‌ای فراترکیب اروین^۲ و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است.

یافته‌ها

در این بخش با توجه به الگوی اروین و همکاران (۲۰۱۱) یک فرایند ۶ مرحله‌ای برای انجام فراترکیب انجام شده است:

گام اول: تنظیم سوال پژوهش:

برای تنظیم سؤال پژوهش، اولین گام برای پژوهشگران تمرکز بر سؤالات مطالعه است. سؤالات مورد مطالعه و پارامترهای آن در جدول شماره ۱ تنظیم شده است.

1- Meta Synthesis
2- Erwin

جدول ۱: سؤالات پژوهش و پارمترها

پارامترها	تنظیم سؤال
چه چیزی (سؤال مورد مطالعه)	سؤال اصلی: شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا چیست؟
چه کسی (جامعه مورد مطالعه)	در این پژوهش چندین پایگاه داده و موتور جستجوی مختلف مورد بررسی قرار گرفت.
چه یافته‌ها و نتایجی	مطالعاتی مورد تحلیل قرار می‌گیرند که یافته‌های آن‌ها مرتبط با حکمرانی دانشگاهی بازارگرا باشند.
چه وقت (محدودیت زمانی)	مطالعات مورد بررسی در این پژوهش از سال ۱۳۹۲ شمسی و ۲۰۰۸ به بعد می‌باشد.
چگونگی (روش گردآوری مطالعات)	در این پژوهش روش فراترکیب مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین با در نظر گرفتن معیارهایی مقالات مناسب وارد فرایند مطالعه شده و مطالعات نامناسب از فرایند مطالعه خارج شده است.

گام دوم: جست و جوی ادبیات

در این مرحله، محقق جستجوی نظام‌مند خود را بر روی گزارشات (منظور گزارشاتی که هم به صورت چاپی و هم بصورت الکترونیکی ارائه شده‌اند) که در دهه اخیر منتشر شده در بازه سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ و ۲۰۰۸ میلادی تا ۲۰۲۳ متمرکز می‌کند. انتخاب این بازه زمانی از یک سو به خاطر به روز بودن و تازگی یافته‌ها می‌باشد و از سوی دیگر با توجه به روش‌شناسی پژوهش به منظور نظم در فرایند تحلیل و جویش منابع علمی انجام گرفته است. از آنجا که بیشتر پژوهش‌های انجام شده در مورد حکمرانی دانشگاهی بازارگرا مربوط به پایگاه‌های داخلی و خارجی می‌باشد در این پژوهش به بررسی این پایگاه‌ها پرداخته شد. در انتها، محقق مجموعه‌ای از جستجوهای برخط^۱ را انجام می‌دهد تا مطالعات منتخب را مشخص کند. برای هر گزارش مشخص، او نسخه‌ای را از متن کامل همراه با فهرستی از تمام منابع را به صورت الکترونیکی تهیه می‌کند.

از این رو ابتدا کلیه مقالات علمی معتبر از طریق جست و جوی کلید واژه‌های پژوهش از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی از جمله؛ Google، Sid، Normagas، Magiram، پرتال جامع علوم انسانی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (IRANDOC) و جویشگر فارسی علم نت و همچنین پایگاه‌های اطلاعاتی در خارج از جمله؛ Sage، Emerald، Scopus، Taylor & Francis، Google Scholar، Eric، Wiley، شناسایی شدند. و در نتیجه پایش موضوعی و بررسی پایگاه‌ها در محدود زمانی مورد نظر، ۲۴۷ گزارش بود.

گام سوم: ارزیابی ورود

در ابتدای فرآیند جستجو محقق مشخص می‌کند آیا گزارشات یافت شده متناسب با هدف تحقیق می‌باشد یا خیر در این زمینه معیارهایی برای ورود و خروج پژوهش‌ها تدوین شد و مقالات در این زمینه مورد پایش قرار گرفتند.

الف: معیارهای ورود^۱ به این پژوهش شامل موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- پژوهش‌های انتشار یافته در زمینه شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا
- ۲- تحقیقات بایستی داده‌ها و اطلاعات کافی را در ارتباط با اهداف پژوهش، گزارش کرده باشند، از این رو کفایت یک پژوهش جهت بررسی در این مقاله گزارش شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا می‌باشد.
- ۳- تحقیقاتی که فرایند بررسی تخصصی را زیر نظر داوران متخصص طی می‌کنند و به صورت نسخه کامل از طریق برخط و یا به طور کامل چاپ شده، باشند.
- ۴- تحقیقات با توجه به روش پژوهش باید به روش کیفی انجام گرفته باشند.

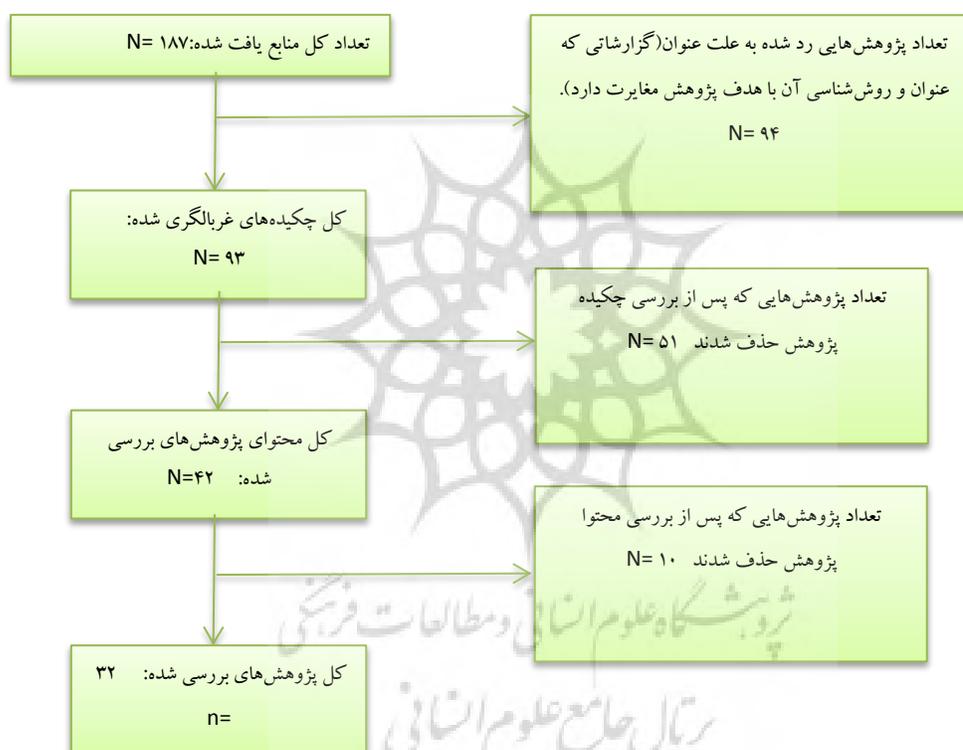
ب: معیارهای خروج به این پژوهش شامل موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- پژوهش‌هایی که اطلاعات کافی در زمینه اهداف این تحقیق گزارش نداده بودند، به عبارت دیگر پژوهش‌هایی که صرفاً به بررسی شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا نبوده‌اند.
 - ۲- پژوهش‌هایی که فاقد کیفیت لازم علمی بودند و در مجلات و کنفرانس‌های بی اعتبار انتشار یافته‌اند.
 - ۳- پژوهش‌هایی که در بازه زمانی پژوهش قرار نگرفته باشند به عبارتی از سال ۱۳۹۲ شمسی و ۲۰۰۸ میلادی به قبل چاپ شده و اطلاعات آن برای زمان حال مفید نبوده و قدیمی باشند.
- در ابتدا کلیدواژه‌های مرتبط با عنوان پژوهش از جمله؛ الگوهای حکمرانی دانشگاهی بازارگرا، شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا در موتورهای جست و جوگر علمی و جویشرگرهای فارسی نامبرده شده در مرحله قبل، پایش موضوعی پژوهش انجام گرفت. در این مرحله ۱۸۷ سند علمی معتبر شامل مقالات علمی - پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی شناسایی شد. در مرحله دوم با توجه به معیارهای ورود و خروج در نظر گرفته شده عناوین پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفت در این مرحله ۹۴ سند علمی از کیفیت و معیار لازم برخوردار نبودند. سپس در مرحله دوم چکیده اسناد پژوهشی مورد پایش قرار گرفت که در این مرحله نیز با توجه به معیارهای

1-Inclusion Criterion

در نظر گرفته شده ۵۱ پایان‌نامه و مقاله از فرآیند پژوهش خارج شد و در نهایت پژوهشگر به تحلیل و بررسی محتوای اسناد پرداخت که در این مرحله نیز با توجه به معیارهای ورود و خروج در نظر گرفته شده تعداد ۱۰ سند علمی، معیارهای مورد نظر را نداشت و از فرآیند بررسی حذف گردید. به منظور بالابردن کیفیت کار، جست و جوی مقالات توسط دو نفر که آشنایی کامل به روش‌های جست و جو و منابع اطلاعاتی داشتند به صورت جداگانه انجام شد. از سوی دیگر دو نفر از اساتید خبره در زمینه مدیریت دانش بر کلیه روند اجرای کار نظارت داشتند.

در ادامه فرآیند غربالگری پژوهش‌های یافت شده با توجه به معیارهای مورد نظر در شکل شماره ۱ آمده است.



شکل ۲ فرآیند غربالگری پژوهش‌های یافت شده با توجه به معیارها

گام چهارم: استخراج نتایج پژوهش‌ها

درسراسر فراترکیب، پژوهشگر به طور پیوسته گزارشات منتخب و نهایی شده را به منظور دست‌یابی به یافته‌های درون محتوای مجزایی که در آنها مطالعات اصلی و اولیه انجام می‌شوند چند بار می‌خواند. در این مرحله با توجه به یافته‌های حاصل از تحقیقات مرتبط با هدف پژوهش، ابتدا کلیه مؤلفه‌ها از طریق فرآیند تحلیل مضمون استخراج می‌شوند؛ از این رو با توجه به فرآیند، تحلیل مضمون حاصل از مرحله اول، در این بخش ابتدا در جدول ۲ اقدام به شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا پرداخته شده است.

جدول ۲: شاخص‌ها و مولفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا

ردیف	محقق/محققان	سال	مولفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا
۱	فیلدن	۲۰۰۸	حسابرسی و ممیزی مالی دانشگاهی؛ اختیار تعیین شهریه دانشجویان (بومی و بین‌المللی)؛ اختیار در جذب دانشجویان؛ اختیارات دانشگاه در تعیین تعداد ثبت نام دانشجویان؛ اختیار دانشگاه در پذیرش سهمیه‌های گروه‌های خاص؛ اختیار دانشگاه در تعیین اولویت‌های پژوهشی؛ نظارت بر عملکرد دانشگاهی؛ گردآوری داده‌های آماری از بخش‌های مختلف آموزش عالی
۲	جیونا و موسیو	۲۰۰۹	میزان همگونی تصمیمات، قوانین و رویه‌های حمایتی در حمایت از حکمرانی دانشگاهی شبه تجاری؛
۳	آقیون و همکاران	۲۰۱۰	اختیار عمل دانشگاه در تخصیص منابع مالی غیر دولتی؛ اختیار عمل دانشگاه در تعیین دستمزد و حقوق اساتید و کارکنان؛ سهم بودجه دانشگاه از بودجه‌های تحقیقاتی؛ اختیار عمل دانشگاه در استخدام یا اخراج اساتید؛ اختیار عمل دانشگاه در تعیین شاخص‌های اساتید؛ توجه به پشتوانه‌های علمی در راستای سیاست‌گذاری دانشگاهی
۴	دایتز و همکاران	۲۰۱۱	پاسخ‌دهی به تمایلات بازار کار؛ نقش آفرینی در اقتصاد جامعه؛ ارزیابی کیفیت تدریس؛ اختیار دانشگاه در وضع مقررات مرتبط با خود؛ پیشینه حرفه‌ای و مدیریتی مدیران دانشگاهی؛ صنایع روزآمد
۵	ویدوویچ و کیوره	۲۰۱۱	تمرکز دانشگاه بر استانداردهای گزارشگری حسابرسی مالی؛ سازوکارهای نظارتی به منظور تسهیل کنترل سازمانی؛ باور دانشگاه به بحث هزینه - فایده در کنش‌های خود؛ سیاست‌گذاری علمی
۶	اختر و کلنوم	۲۰۱۲	اختیار دانشگاه در ثبت‌نام دانشجویان؛ اختیار در زمینه گستره و شکل سیستم‌های آموزش عالی؛ اختیار دانشگاه در تعیین شاخص‌های دانشجویی
۷	شاه	۲۰۱۲	افزایش ارتباطات دانشگاه - صنعت؛ اهمیت دادن به دفاتر انتقال فناوری دانشگاهی؛ توسعه موثر سازمانی با انکوباتورها و مراکز رشد دانشگاهی؛ ارتباطات موثر سازمانی با پارک‌های علم و فناوری
۸	بلیکلی و همکاران	۲۰۱۳	جهت‌گیری تدریس و پژوهش در راستای بازار؛ میزان توجه به نیازهای ذی‌نفعان دانشگاه؛ میزان توجه به ارتقا رتبه دانشگاهی؛ توجه به (و مبنای قانونی) استقلال دانشگاهی و آزادی علمی؛ رقابت‌پذیری اقتصاد
۹	رولندز	۲۰۱۳	میزان درآمدهای پژوهشی دانشگاه؛ ارتباطات موثر دانشگاه با صنایع و حوزه‌های اقتصادی؛ میزان نقش دولت در بهبود کیفیت و کاهش دادن هزینه‌ها؛
۱۰	آپکاریان و همکاران	۲۰۱۴	میزان اعطای قدرت به اعضای هیات علمی در زمینه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری؛
۱۱	هیلمان و همکاران	۲۰۱۴	میزان تأکید بر ذی‌نفعان دانشگاهی در فرایند سیاست‌گذاری؛ میزان کنترل مدیریت دانشگاه بر فرایند سیاست‌گذاری؛ توجه به مأموریت سوم دانشگاه (کارآفرینی)؛ اقتصاد رقابتی جامعه
۱۲	دایتز و همکاران	۲۰۱۵	رویکرد تأمین مالی دولتی؛ هزینه‌ها (به صورت آئینی - استقلال کامل در تخصیص بودجه)؛ اختیار دانشگاه در طراحی برنامه درسی و گزینش منابع درسی؛ ارزیابی کیفیت تدریس؛
۱۳	یانوزاوا و شیچی	۲۰۱۵	میزان بین‌المللی شدن دانشگاه؛ توده‌ای شدن آموزش عالی؛ توجه به رتبه‌بندی‌های جهانی؛ میزان تأمین بودجه دانشگاه توسط قراردادهای صنعتی؛ نقش دانشگاه در توسعه اقتصادی محلی و ملی؛ ثبات اقتصادی کشور؛ شفافیت اطلاعاتی مرتبط با اقتصاد دانش
۱۴	جانبلوید	۲۰۱۵	نقش آفرینی دانشگاه در اقتصاد جوامع؛ ارتباط دانشگاه با انجام پژوهش‌های صنعتی؛ باورمندی دانشگاه به تولید ثروت از دانش؛ تعریف مأموریت و رسالت اصلی دانشگاه در راستای رویکردهای تجاری و شبه‌بازاری؛ میزان انتقال دانش در راستای خلق ایده به عمل
۱۵	بریکلند	۲۰۱۵	تأثیرپذیری دانشگاه از جهانی شدن؛ تأثیرپذیری از فلسفه‌های نوین همچون نئولیبرالیسم؛ میزان خصوصی‌سازی آموزش عالی؛ استقلال مالی دانشگاه از دولت؛ توجه به رویکردهای ارزیابی غیردولتی؛ اقتصاد پویای جامعه
۱۶	گانیکس و بولوانس	۲۰۱۶	اهمیت دادن به دفاتر انتقال فناوری دانشگاهی؛ تدوین روند شفاف تبدیل دانش به محصول در دانشگاه؛ مطالعه صنایع
۱۷	ینوم	۲۰۱۶	تصویب قوانین حامی اشتغال دانشجویان؛ نقش آفرینی دانشگاه در اشتغال فارغ‌التحصیلان؛ گستره جذب و توده‌ای شدن آموزش عالی
۱۸	دایتز و نیل	۲۰۱۷	میزان توجه به اقتصادهای دانش بنیان؛ میزان توده‌ای شدن آموزش عالی؛ وابستگی اقتصاد ملی به دانش؛ میزان همراستایی با روند جهانی شدن؛ توجه آموزش عالی به مدیریت نوین عمومی؛ تمرکز بر ارتباطات بین‌المللی؛ تدوین قوانین حمایتی از خلق و توسعه ایده‌های عملیاتی؛ میزان حمایت از دستاوردهای پژوهشی؛ توسعه دفاتر انتقال فناوری و مراکز دانش بنیان دانشگاهی؛ افزایش ارتباطات صنعتی و تولیدی، تبدیل دانش به محصول
۱۹	لو و تانگ	۲۰۱۷	توده‌ای شدن آموزش عالی؛ توجه به بین‌المللی شدن دانشگاه؛ نقش اندک دولت در ارزیابی دانشگاه؛ روند افزایشی خصوصی‌سازی آموزش عالی
۲۰	میلر و مورفی	۲۰۱۷	غلبه فلسفه نئولیبرالیسم بر جهت‌گیری دانشگاه؛ اداره دانشگاه بر مبنای اصول بازاری و شرکتی؛ تلفی از دانشجو و کنش‌های دانشگاه (به عنوان مشتری و محصول)؛ تأکید بر روابط عمیق بین دانشگاه و صنعت؛ سهم و نقش اندک دولت در هدایت امور، سمت و سوی تجاری فعالیت‌های دانشگاه؛ تأکید بر رسالت کارآفرینانه دانشگاه، تبدیل دانش به فناوری
۲۱	دلومین و همکاران	۲۰۱۷	توجه به اثرگذاری اجتماعی دانشگاه؛ توجه به ارتباط دانشگاه و بازار کار؛ توجه به پیامدهای دانشگاه و ارزیابی‌های مستمر؛ توجه به تبدیل دانش به محصول در دانشگاه؛ بازنگری برنامه درسی رشته‌ها بر مبنای نیازهای بازار کار
۲۲	براون	۲۰۱۷	انتخابی بودن مدیریت و هیات‌های حکمرانی دانشگاهی؛ شاخص‌های ارزیابی اعضای هیات علمی؛ ملاک‌ها و معیارهای ارزیابی مدیریت و هیات‌های حکمرانی دانشگاهی
۲۳	روس و ولدفیل	۲۰۱۷	مبنای تعریف استانداردهای شغلی و استخدامی در دانشگاه؛ بهره‌گیری از فرصت‌های درآمدزایی بیرونی؛ ترویج انگیزه خلق ثروت از فعالیت‌های دانشگاهی؛ قدرت اعضای هیات علمی در انتخاب اولویت‌های پژوهش و تدریس
۲۴	جیانکس و بولیوانت	۲۰۱۷	تدوین برنامه درسی بر اساس فلسفه‌های نوین همچون نئولیبرالیسم؛ رسوخ اندیشه‌های بین‌المللی و جهانی شدن در دانشگاه؛ انطباق رویکرد دانشگاه با استانداردهای تجاری و بازاری؛ ارزیابی محتوای برنامه درسی بر اساس منطق بازار و اقتصاد
۲۵	رودز	۲۰۱۸	میزان اعتنا به بازار و صنعت در کنش‌های دانشگاهی؛ نوع تلفی از دانشجو و کنش‌های دانشگاهی؛ میزان تأثیر جهانی شدن بر تحولات در امور در دانشگاه؛ توجه به کارآفرینی دانشگاهی؛ اهمیت استقلال دانشگاهی
۲۶	کوهن	۲۰۱۸	توجه به نقش دانشگاه در جامعه؛ توجه به نقش دانشگاه در اقتصاد؛ توجه به دانش به عنوان موتور خلق ثروت؛ میزان توجه دانشگاه به نقش آفرینی در تحرک اجتماعی؛ چابکی و انعطاف سیاست‌گذاری در دانشگاه با توجه به فرصت‌ها و تهدیدها

روابط بین‌المللی دانشگاه؛ میزان استقلال دانشگاه از دولت؛ گستره آموزش عالی؛ میزان و نوع بودجه‌های دولتی اعطایی به دانشگاه؛ میزان تأثیرپذیری دانشگاه از متغیرهای جهانی؛ میزان ارتباط با بخش‌های صنعتی کشور؛ توجه به استقلال دانشگاهی	۲۰۱۸	هانگ	۲۷
پذیرش نقش دانشگاه در اقتصاد؛ میزان تمرکز دانشگاه بر پژوهش‌های صنعتی؛ توجه به تضمین کیفیت در دانشگاه؛ تأسیس و توسعه دفاتر دانشگاه پژوهی	۲۰۱۹	یادینتو و همکاران	۲۸
رویکرد تأمین مالی دولتی؛ ارزیابی کیفیت داخلی؛	۲۰۱۹	آگاسیتی و همکاران	۲۹
میزان خصوصی‌سازی آموزش عالی؛ توجه به نیازها و خواسته‌های ذی‌نفعان دانشگاه؛ میزان پذیرش فلسفه‌های نوین همچون نئولیبرالیسم در فعالیت‌های دانشگاهی؛ میزان تقاضای اجتماعی نسبت به آموزش عالی؛ نقش آفرینی دانشگاه در اقتصاد جامعه؛	۲۰۲۰	بارشوم	۳۰
جهت‌گیری تدریس بر مبنای برآوردن نیازهای جامعه؛ بازنگری برنامه‌های درسی بر اساس اقتضات منطقه‌ای؛ تدوین استانداردهای آزمون و فارغ‌التحصیلی بر اساس ترجیحات بازاری و شبه‌تجاری؛	۲۰۲۲	ویله‌اوسویگ	۳۱
میزان نقش دولت در هدایت فعالیت‌های دانشگاه؛ توجه به متغیرهایی مانند آزادی علمی در دانشگاه؛ اهمیت دادن به رتبه‌بندی‌های دانشگاهی؛ نقش دانشگاه در کنترل مالی و بودجه‌ای؛ نقش مدیریت دانشگاه در سیاست‌گذاری‌های کلان دانشگاه	۲۰۲۳	ون و مارگیشون	۳۲

گام پنجم: ترکیب یافته‌ها

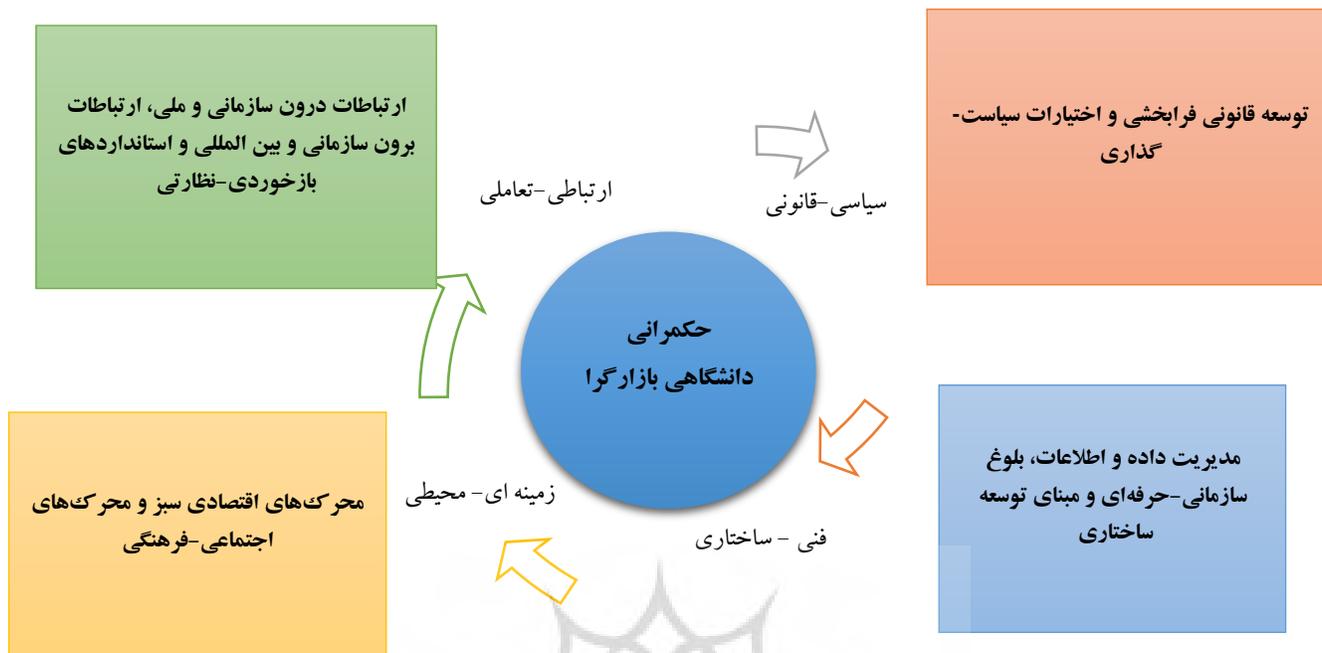
در این بخش، باتوجه به فرآیند و فرآورده‌های فراترکیب در یک نمای کلی شاخص‌ها و مولفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا در قسمت فرآیند فراترکیب استخراج مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا در یافته‌های پیشینه پژوهشی صورت گرفته به این شکل که ابتدا توصیفات کلیه شاخص‌ها از طریق فرآیند مضامین باز شناسایی می‌شود و سپس در قسمت فرآورده فراترکیب، از آنجا که هدف این رویکرد پژوهشی ترکیب کلیه یافته‌های علمی در یک موضوع خاص و رسیدن به یک انسجام واحد است، در بخش ارائه نتایج ترکیب ابتدا تحلیل کیفی مضامین پایه در کنار هم قرار گرفته و با مضمون بندی مجدد، موارد همپوشی و قرابت معنایی باهم ترکیب شده و مؤلفه‌ها (مضامین سازمان‌دهنده) استخراج می‌شود. در ادامه برای دسته‌بندی کردن کلیه شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا بر اساس یک مفهوم مشترک از طریق مضمون‌بندی مجدد مضامین سازنده، ارائه شده است که منجر به شناسایی ۴ بُعد (مضمون فراگیر) شد، که نتایج تحلیل مضامین در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول ۳ شاخص‌ها و مولفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	شماره مقاله
ارتباطات فراگیر	ارتباطات درون سازمانی و ملی	گسترش ارتباطات در راستای بازنگری برنامه‌های درسی	۲۴، ۳۱
		ارتباط با بخش‌های صنعتی کشور	۹، ۱۴، ۱۸، ۲۰، ۲۷
		ارتباطات مستمر با پارک‌های علم و فناوری	۷
	ارتباطات برون سازمانی و بین‌المللی	میزان بین‌المللی شدن دانشگاه	۱۳، ۱۹، ۲۴
		روابط بین‌المللی دانشگاه با همگنان	۱۸، ۲۷
		ارزیابی محتوای برنامه درسی بر اساس منطق بازار و اقتصاد	۸، ۲۴، ۳۱
زیربنای محیطی	استانداردهای بازرگاری - نظارتی	حسابرسی و ممیزی مالی دانشگاهی	۱
		ارزیابی و تضمین کیفیت داخلی	۲۱، ۱۵، ۱۹، ۲۹
	محرك‌های اقتصادی سبز	میزان حمایت از دستاوردهای پژوهشی	۱۸
		تدوین برنامه درسی بر اساس فلسفه‌های نوین همچون نئولیبرالیسم	۱۵، ۳۰
		رقابت‌پذیری اقتصاد دانشگاهی	۱۱
		پذیرش نقش دانشگاه در اقتصاد سبز	۱۴، ۲۸، ۳۰
		توجه آموزش عالی به مدیریت نوین عمومی	۱۸

۲۸،۲۵	میزان تمرکز دانشگاه بر پژوهش‌های صنعتی		
۱۶،۲۱،۲۶	وابستگی اقتصاد ملی به دانش		
۱۶	مطالبه صنایع به دانش و پژوهش دانشگاهی		
۱۲،۲۷،۲۹	نوع اختصاص بودجه‌های دولتی به دانشگاه		
۳۲،۸	اهمیت دادن به رتبه‌بندی‌های دانشگاهی	محرك‌های اجتماعی - فرهنگی عدالت محور	
۱۸،۲۵،۳۰	میزان تأثیرپذیری دانشگاه از از متغیرهای جهانی		
۲۰،۲۵	نوع تلقی از دانشجو و کنش‌های دانشگاهی		
۱۷	نقش آفرینی دانشگاه در اشتغال فارغ‌التحصیلان		
۲۶،۲۱	توجه به اثرگذاری اجتماعی دانشگاه		
۲۶	میزان توجه دانشگاه به نقش آفرینی در تحرك اجتماعی		
۱۳،۱۹،۱۸،۲۷،۳۰	گستره جذب و توده‌ای شدن آموزش عالی	مدیریت داده و اطلاعات	
۱۳،۱۶	شفافیت اطلاعاتی مرتبط با اقتصاد دانش		
۱	گردآوری و سازمان دادن داده‌ها و اطلاعات مرتبط		
۵،۳	تسهیل دسترسی به اطلاعات در سیاستگذاری دانشگاهی	بلوغ سازمانی - حرفه‌ای	
۱۱،۱۶،۲۰،۲۶،۲۵	توجه به کارآفرینی دانشگاهی		
۲۳	توانمندی اعضای هیات علمی در انطباق با نیازهای بازار		
۲۴	شایستگی‌های کانونی حکمرانان دانشگاهی در انطباق با بازار	مبنای توسعه ساختاری	
۱۶،۱۸	تأسیس و توسعه دفاتر انتقال فناوری		
۷	توسعه موثر سازمانی با انکوباتورها و مراکز رشد دانشگاهی		
۷	توسعه موثر سازمانی با پارک‌های علم و فناوری		
۲۸	تأسیس و توسعه دفاتر دانشگاه‌پژوهی	توسعه قانونی فرابخشی	
۳۲	توجه به آزادی علمی در دانشگاه		
۲۵،۲۷	تمرکز قانونی بر استقلال دانشگاهی		
۱۵،۱۹،۳۰	میزان خصوصی‌سازی آموزش عالی		
۲	همگونی تصمیمات و قوانین همراستا با رویکرد شبه تجاری		
۱۶،۲۰،۱۸	توجه به تبدیل دانش به محصول در دانشگاه		
۱۱،۱۷،۱۸	تصویب قوانین حامی اشتغال دانشجویان	اختیارات سیاستگذاری	
۲،۱	اختیار تعیین شهریه دانشجویان (بومی و بین‌المللی)		
۲۰،۳۲	میزان نقش دولت در هدایت فعالیت‌های دانشگاه		
۲۲	نقش مدیریت دانشگاه در سیاست‌گذاری‌های کلان دانشگاه		
۶،۳۰،۱	تدوین استانداردهای آزمون و فارغ‌التحصیلی بر اساس ترجیحات بازار		
۲۰،۸	جهت‌گیری تدریس بر مبنای برآوردن نیازهای جامعه		
۲۳،۲	مبنای تعریف استانداردهای شغلی و استخدامی در دانشگاه		
۳	اختیار عمل در تعیین حقوق و دستمزد اساتید و کارکنان		
۱	اختیار دانشگاه در پذیرش سهمیه‌های گروه‌های خاص		
۲،۱	اختیار دانشگاه در تعیین اولویت‌های پژوهشی		

الگوی مفهومی و چارچوب نظری می‌تواند به فهم بهتر الگوی حکمرانی دانشگاهی بازارگرا کمک کند. لذا می‌توان با ترکیب یافته‌های و ارائه آن به صورت شماتیک در بستر الگوی تصویری به فهم بهتری یافته‌ها کمک کند؛ در نتیجه برای تدوین الگوی حکمرانی دانشگاهی بازارگرا هریک از ابعاد باید مورد توجه قرار گرفته و به ویژگی‌های آن توجه شود. شکل ۱ الگوی حکمرانی دانشگاهی بازارگرا را نشان می‌دهد همان‌طور که آورده شده تمام عوامل دارای ارتباط متقابل با هم می‌باشد. تمام این ابعاد بریکدیگر اثرگذار هستند و رابطه بین آن‌ها غیر خطی است.



شکل ۲: مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا

گام ششم: اعتباریابی داده‌ها

در این بخش به اعتباریابی یافته‌ها پرداخته می‌شود. برای اطمینان از نحوه کدگذاری‌ها از چهار نفر ارزشیاب جهت کدگذاری مجدد یافته‌ها استفاده شد که به منظور تایید از روش اسکات (۲۰۱۲) استفاده شد که در این پژوهش میزان توافق بین ارزشیابان عدد ۸۰/۱۰ بدست آمد که نشان دهنده ۸۱ درصد توافق بین ارزشیابان در کدگذاری‌ها بود.

$$C.R = \frac{45+33+36+43}{4 \times 49} \times 100 = 80/10$$

$$C.R = \frac{\text{تعداد مقوله مورد توافق}}{\text{تعداد کل مقوله‌ها}} \times 100$$

بحث و نتیجه‌گیری

از میان چالش‌های مختلف تأثیرگذار بر روند شکل‌گیری و جهت‌گیری آموزش عالی، می‌توان رویکرد نوین مدیریت عمومی (دیگر، ۲۰۲۲) که خود برآمده از فلسفه نئولیبرالیسم بوده است را پررنگ‌تر دانست. از این منظر، کشورهای مختلف ساختارهای حکمرانی دانشگاهی خود را مورد بازشناسی و بازنگری قرار داده‌اند و هم‌راستا با تحولات جهانی و انتظارات فزاینده اقتصادی، درباره افزایش کارایی، اثربخشی،

توان رقابتی، انعطاف پذیری، چابکی و پاسخگویی، در جهت اتخاذ رویکردهای حکمرانی بازارگرا و تجاری گونه حرکت نموده‌اند (رک: لو، ۲۰۱۷، روس، ۲۰۱۷، موک، ۲۰۱۰، سوسانتی^۱، ۲۰۱۱، موک، ۲۰۲۲، آلتالو و پتلولا^۲، ۲۰۰۶، بروکر، ۲۰۱۵). حکمرانی دانشگاهی از مفهوم‌های مناقشه انگیز در اداره نظام آموزش عالی است. از این رو شناخت شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا زمینه طراحی الگوهای بهینه و سبز اقتصادی را فراهم می‌آورد از این رو در این پژوهش به دنبال شناخت شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی دانشگاهی بازارگرا مبتنی بر تحلیل پیشینه پژوهشی برآمدم در این زمینه ۴ بُعد اصلی مورد شناسایی قرار گرفت که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

ارتباطی- تعاملی: طبق تحلیل پیشینه پژوهشی از ابعاد مهم جهت حکمرانی بازارگرا در آموزش عالی زمینه‌های تعاملی و ارتباطی در دانشگاه و اداره آن است در این بُعد سه محور ارتباط درون سازمانی و ملی (مشمول بر محورهایی چون بازنگری برنامه‌های درسی در راستای همگرایی با بازارهای بومی و منطقه‌ای، ارتباط با صنعت و ارتباط با پارک‌های علم و فناوری کشور)، بُعد ارتباط برون سازمانی و بین‌المللی (در این زمینه مؤلفه‌هایی چون توجه به بین‌المللی شدن دانشگاه و توجه به ارتباطات بین‌المللی شدن آموزش عالی) مورد شناسایی قرار گرفت. حکمرانی دانشگاهی بازارگرا نیازمند تعاملات باز دانشگاه‌ها با سایر ساختارها و سازمان‌های اجتماعی است (بروکر، ۲۰۱۵). یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های ویله‌اوسویگ (۲۰۲۲) و براون (۲۰۱۷) است. براون (۲۰۱۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسید ارتباط و تعامل بین‌المللی و باز دانشگاه زمینه حکمرانی مطلوب دانشگاه در زمینه بازارگرا فراهم می‌آورد. به اعتقاد نگارنده توجه به ارتباط باز دانشگاه با سایر مراکز صنعتی و علمی زمینه توسعه پایدار اقتصادی و علمی دانشگاه را فراهم می‌آورد.

زمینه‌ای- محیطی: جهت اجرای مطلوب حکمرانی دانشگاهی بازارگرا زمینه‌های محیطی موجود در جامعه از عوامل مؤثر است. بررسی پیشینه پژوهشی نشان دهنده دو محور اصلی شامل محرک‌های اقتصادی موجود در جامعه (مشمول بر شاخص‌هایی چون رقابت‌پذیری اقتصادی، پذیرش نقش دانشگاه در اقتصاد و میزان بودجه پژوهشی دانشگاه)، محرک‌های اجتماعی- فرهنگی (مشمول بر شاخص‌هایی چون نوع تلقی از دانشجو و کنش‌های دانشگاهی نقش‌آفرینی دانشگاه در اشتغال فارغ‌التحصیلان، توجه به اثرگذاری اجتماعی دانشگاه، میزان توجه دانشگاه به نقش‌آفرینی در تحرک اجتماعی و گستره جذب و توده‌ای شدن آموزش عالی) مورد شناسایی قرار گرفت. آموزش عالی به عنوان یکی از سازمان‌های کلان اجتماعی ضمن تأثیرگذاری بر سایر سازمان‌ها از شرایط محیط پیرامون خود تأثیر مستقیم می‌پذیرد. عوامل اقتصادی موجود در جامعه از متغیرهای اصلی اثرگذار بر آموزش عالی و رویکرد اداره کننده آن است (جیانکس و بولیوانت، ۲۰۱۷).

1-Susanti

2- Alestalo & Peltola

یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های بارشوم (۲۰۲۰) و هانگ (۲۰۱۸) است. هانگ (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسید رقابت‌پذیری اقتصادی زمینه مطلوب ورود نظام آموزش عالی در زمینه‌های اقتصادی را فراهم می‌آورد.

فنی - ساختاری: حکمرانی دانشگاهی بازارگرا جهت اجرای مطلوب در دانشگاه نیاز به ایجاد ساختار مطلوب در زمینه فنی دارد. بررسی پیشینه پژوهشی در این زمینه نشان دهنده سه محور اصلی مدیریت داده و اطلاعات (مشمتمل بر مؤلفه‌هایی چون شفافیت اطلاعاتی مرتبط با اقتصاد دانش گردآوری و سازمان دادن داده‌ها و اطلاعات مرتبط و تسهیل دسترسی به اطلاعات در سیاستگذاری دانشگاهی)، بلوغ سازمانی - حرفه‌ای (مشمتمل بر مؤلفه‌هایی چون توجه به کارآفرینی دانشگاهی، توانمندی اعضای هیات علمی در انطباق با نیازهای بازار و شایستگی‌های کانونی حکمرانان دانشگاهی در انطباق با بازار) و مبنای توسعه ساختاری (مشمتمل بر مؤلفه‌هایی چون تأسیس و توسعه دفاتر انتقال فناوری، توسعه موثر سازمانی با انکوباتورها و مراکز رشد دانشگاهی، توسعه موثر سازمانی با پارک‌های علم و فناوری و تأسیس و توسعه دفاتر دانشگاه پژوهی) مورد شناسایی قرار گرفت. ایجاد ساختار لازم در دانشگاه برای ایجاد زمینه‌های لازم جهت ارتباط آزاد دانشگاه با صنعت و زمینه‌های کاری باید مورد توجه قرار گیرد. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌ها ویلهاسویگ (۲۰۲۲) در زمینه مدیریت داده و اطلاعات جهت حکمرانی دانشگاه بازارگرا و بارشوم (۲۰۲۰) در زمینه بلوغ سازمانی و حرفه‌ای در دانشگاه است.

سیاسی - قانونی: ایجاد بسترهای قانونی و سیاسی در جهت اجرای مطلوب رویکرد دانشگاهی بازارگرا مورد توجه است. در این زمینه دو محور اصلی مشتمل بر توسعه قانونی فرابخشی (مشمتمل بر شاخص‌هایی چون توجه به آزادی علمی در دانشگاه، تمرکز قانونی بر استقلال دانشگاهی، میزان خصوصی‌سازی آموزش عالی، همگونی تصمیمات و قوانین همراستا با رویکرد شبه تجاری، توجه به تبدیل دانش به محصول در دانشگاه و تصویب قوانین حامی اشتغال دانشجویان) و اختیارات سیاستگذاری دانشگاه (مشمتمل بر مؤلفه‌هایی چون اختیار تعیین شهریه دانشجویان (بومی و بین‌المللی)، میزان نقش دولت در هدایت فعالیت‌های دانشگاه، نقش مدیریت دانشگاه در سیاست‌گذاری‌های کلان دانشگاه، تدوین استانداردهای آزمون و فارغ‌التحصیلی بر اساس ترجیحات بازار، جهت‌گیری تدریس بر مبنای برآوردن نیازهای جامعه، مبنای تعریف استانداردهای شغلی و استخدامی در دانشگاه، اختیار عمل در تعیین حقوق و دستمزد اساتید و کارکنان، اختیار دانشگاه در پذیرش سهمیه‌های گروه‌های خاص و اختیار دادن به دانشگاه در تعیین اولویت‌های پژوهشی) مورد شناسایی قرار گرفت. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های براون (۲۰۱۷) و بارشوم (۲۰۲۰) از حیث توجه با سازوکارهای قانونی در حمایت از ارتباط

و تقوتی پل های ارتباطی میان دانشگاه و صنعت است. در این پژوهش ها نقش سیاست گذاری و هماهنگی در این زمینه برای شکوفایی فعالیت های دانشگاه در زمینه صنعت و بازار کار مورد توجه قرار گرفته است.

آموزش عالی از مهم ترین ارکان موجود در اجتماع بوده و توسعه آن زمینه بهبود تمام مناسبات اجتماعی را فراهم می آورد. الگوهای مختلفی برای اداره دانشگاه ها ارائه شده است یکی از رویکردهایی که در دهه اخیر مورد توجه بسیاری از دانشگاه های برتر بین المللی بوده رویکرد حکمرانی دانشگاهی بازارگرا است. پژوهش های مختلف مؤلفه ها و شاخص های مختلفی در زمینه حکمرانی دانشگاهی بازارگرا ارائه داده اند در این پژوهش سعی شد با رویکرد فراترکیب به تلفیق و جمع بندی یافته های پیشینه پژوهشی پردازیم تا هر چند گامی کوچک در طراحی الگوهای بومی برای نظام آموزش عالی ایران برداشته شود. با توجه به یافته های پژوهش پیشنهاد های زیر ارائه می شود:

- با توجه به یافته های بُعد ارتباط و تعامل و نقش مؤثر ارتباط دانشگاه با صنعت و بالعکس در این زمینه پیشنهاد می شود در صنایع بزرگ به تأسیس و توسعه دفاتر انتقال فناوری دانشگاهی و تسهیل ارتباط آن ها با مراکز رشد و پارک های علم و فناوری فراهم آید از سویی در دانشگاه مراکز ارتباط با صنعت و بازار ایجاد شود.
- با توجه به الگوی طراحی شده و نقش پایان نامه های تحصیلات تکمیلی در ارتباط بین صنعت و دانشگاه از این رو پیشنهاد می شود به تدوین پایان نامه ها و طرح های پژوهشی تقاضا محور از سوی صنایع و بازار کار مرتبط با هر رشته و گرایش توجه شود.
- با توجه به نقش قانون گذاری و سیاست گذاری در حکمرانی دانشگاهی بازار گرا از این رو پیشنهاد می شود در فرآیند قانون گذاری به نقش دانشگاه و صنعت توجه شود، از سویی سعی شود آزادی عمل بیشتری به دانشگاه ها در زمینه سیاست های اجرایی داده شود.
- با توجه به نقش فرهنگ دانشگاهی و نگاه به دانشگاه در سطح جامعه در ایجاد زمینه حکمرانی دانشگاهی بازار گرا از این رو پیشنهاد می شود به فرهنگ سازی در زمینه ایجاد ارتباط بین صنعت با نظام آموزش عالی توجه شود.
- با توجه به نقش مدیریت داده در حکمرانی دانشگاهی بازار گرا از این رو پیشنهاد می شود زمینه های مدیریت اطلاعات و توجه به داده کاوی اطلاعات مربوط به بازار کار مرتبط با هر رشته در دانشگاه فراهم آید.

- با توجه به نقش ارتباطات دورن‌سازمانی و برون‌سازمانی در حکمرانی دانشگاهی بازارگرا از این رو پیشنهاد می‌شود با ایجاد شبکه ملی شناسایی فرصت‌های صنعت در ارتباط با دانشگاه، متخصصان حیطه‌های موضوعی امکان ارتباط با بازار کار بدون واسطه را داشته باشند.
- با توجه به نقش استقلال مالی دانشگاه در حکمرانی دانشگاهی بازارگرا بر مبنای یافته‌های محور محرک‌های اقتصادی سبز از این رو پیشنهاد می‌شود، بودجه‌های تخصیصی به دانشگاه متناسب با طرح‌ها و فعالیت‌های ارائه‌شده از بازار کار و بر مبنای کیفیت از سوی نهاد ذی‌ربط باشد. در این راستا می‌توان بخشی از تأمین مالی دانشگاه از منابع غیردولتی و بیرونی بر مبنای طرح‌ها و فعالیت‌های بازارگرا در دانشگاه باشد.
- در راستای مؤلفه انعطاف‌پذیری در دانشگاه، پیشنهاد می‌گردد، دانشگاه ساختار سازمانی منعطف داشته و خود را با تغییرات جدید بازار کار منطبق سازد.
- با توجه به محور محرک‌های اقتصادی سبز و نقش برنامه‌های درسی در بازارگرا کردن حکمرانی در نظام آموزش عالی پیشنهاد می‌شود برنامه‌های درسی در دانشگاه و سرفصل‌های آن در ارتباط نزدیک با صنعت نگاشته شود.
- با توجه به مؤلفه‌های شناسایی شده و نقش عدالت‌محوری در اقتصادی سبز پایدار دانشگاه، پیشنهاد می‌شود زمینه رشد متناسب گروه‌های آموزشی در دانشگاه بر اساس پایش صنعت فراهم آید و آینده شغلی مناسبی برای گروه‌های آموزشی مختلف فراهم گردد.
- در زمینه بُعد آموزشی مطابق با الگوی طراحی شده، پیشنهاد می‌گردد از کارآفرینان به‌عنوان استاد تجربی یا همیار آموزشی در رشته‌های مختلف بنا به نیاز رشته و واحد آموزشی استفاده شود.

منابع

- اسکندری ثانی، محمد و سفالگر، سحر (۱۴۰۱). ادغام اقتصاد سبز و چرخشی، رویکردی نوین در آمد پایدار در شهر بیرجند. مجله مدیریت سبز و توسعه، ۱(۲)، ۱۵۹-۱۷۲.
- امیری فرح‌آبادی، جعفر و ابوالقاسمی، محمود (۱۴۰۱). سهم و نقش حکمرانی دانشگاهی بازارگرا در تحقق کارکردهای دفاتر انتقال فنآوری دانشگاهی. فصلنامه آموزش عالی، ۱۴ (۴)، ۱۰۵-۱۲۵.
- داداش کریمی، یحیی، میرسپاسی، ناصر و نجف بیگی، رضا (۱۳۹۸). بررسی سیر تحول نظریات حکمرانی در نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها جهت ارتقاء بهره‌وری. نوآوری مدیریت آموزشی، ۱(۱۴)، ۱-۲۶.
- دباغ کاشانی، زینب (۱۳۹۰). شناسایی عوامل حیاتی موفقیت در چارچوب پیاده سازی مدیریت فرآیندهای کسب و کار در سازمان‌های ایرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء

- رضایی قادی، مهدی و شیرخانی، علی (۱۳۹۹). ارزیابی سیاست گذاری عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نظریه حکمرانی خوب. فصلنامه سیاست متعالیه، ۸(۳۰)، ۱۸۶-۱۶۵.
- ساقی، علیرضا (۱۳۹۶). بررسی روند تحقیقات فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیک با رویکرد فراترکیب تحقیقات انجام گرفته در پژوهشگاه ارتباط و فناوری اطلاعات. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت فناوری اطلاعات، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی.
- سیدنقوی، میرعلی، پوربهرزوان، سراجی، رضا (۱۳۹۸). شناسایی علل ارتباط ضعیف دانشگاه با صنعت و ارائه راهکارهای بهبود آن. مجلس و راهبرد، ۲۶(۹۹)، ۲۱-۴۵.
- علوی، سید مسلم، رعنائی کرد شولی، حبیب اله، علیمحمدلو، مسلم و سلیمی، قاسم (۱۴۰۰). طراحی الگوی حکمرانی دانشگاه نسل سوم با رویکرد مدل سازی ساختاری تفسیری جامع. مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، ۱۴(۱)، ۲۱۳-۲۴۵.
- محمودی توپکانلود و معرفت، رحمان (۱۴۰۲). موانع کارآفرینی دانشگاهی و تجاری سازی دانش در رشته علم اطلاعات و دانش شناسی. فصلنامه مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۳۴(۲)، ۷۱-۹۸.
- مرادی، گلشن، سلیمانی، نادر و شفیع زاده، حمید (۱۴۰۰). راهبردهای مدیریت سبز در مؤسسات آموزش عالی کشور مبتنی بر سیاست های کلی محیط زیست. فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، ۹(۳)، ۴۷۴-۴۹۵.
- Agasisti, T., & Catalano, G. (2006). Governance models of university systems—towards quasi-markets? Tendencies and perspectives: A European comparison. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 28(3), 245-262.
- Agasisti, T., & Catalano, G. (2019). Governance models of university systems—towards quasi-markets? Tendencies and perspectives: A European comparison. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 28(3), 245-262.
- Aghion, P., Dewatripont, M., Hoxby, C., Mas-Colell, A., & Sapir, A. (2010). The governance and performance of universities: evidence from Europe and the US. *Economic Policy*, 25(61), 7-59.
- Akhtar, M. M. S., & Kalsoom, T. (2012). Issues of Universities' Governance in Pakistan. *Journal of Elementary Education*, 22(2), 81-94.
- Apkarian, J., Mulligan, K., Rotondi, M. B., & Brint, S. (2014). Who governs? Academic decision-making in US four-year colleges and universities, 2000–2012. *Tertiary Education and Management*, 20(2), 151-164.
- Birkland, T. A. (2015). *An introduction to the policy process: theories, concepts, and models of public policy making* (4rd edition). New York: Routledge Publishing.
- Bleiklie, I., Frølich, N., & Michelsen, S. (2013). Structuring perceptions of governance: Transforming Universities in Europe. In ECPR general conference—Bourdeaux, 5th–7th September.
- Bradshaw, P. (2020). Academic governance of universities: Reflections of a senate chair on moving from theory to practice and back. *Journal of Management Inquiry*, 18(2), 123-133.
- Bradshaw, P., & Fredette, C. (2009). Academic governance of universities: Reflections of a senate chair on moving from theory to practice and back. *Journal of Management Inquiry*, 18(2), 123-133.
- Broucker, B., de Wit, K., & Leisyte, L. (2015). New public management or new public governance for the higher education sector? An international comparison. Paper presented at EGPA Annual Conference 2015, Toulouse, France.
- Brown, J. T. (2017). The Seven Silos of Accountability in Higher Education: Systematizing Multiple Logics and Fields. *Research & Practice in Assessment*, 11, 41-58.
- Capano, G. (2011). Government continues to do its job. A comparative study of governance shifts in the higher education sector. *Public Administration*, 89(4), 1622-1642.
- Carnegie, G. D., & Tuck, J. (2010). Understanding the ABC of university governance. *Australian Journal of Public Administration*, 69(4), 431-441.
- Dakowska, D. (2015). Between competition imperative and Europeanisation: the case of Higher Education reform in Poland. *Higher Education*, 69(1), 129-141.
- Dal Molin, M., Turri, M., & Agasisti, T. (2017). New public management reforms in the Italian universities: Managerial tools, accountability mechanisms or simply compliance? *International journal of public administration*, 40(3), 256-269.
- Delanty, G. (2010). The governance of universities: What is the role of the university in the knowledge society?. *The Canadian Journal of Sociology/Cahiers canadiens de sociologie*, 27(2), 185-198.
- Dobbins, M., & Knill, C. (2017). Higher education governance in France, Germany, and Italy: Change and variation in the impact of transnational soft governance. *Policy and Society*, 36(1), 67-88.
- Dobbins, M., & Knill, C. (2017). Higher education policies in Central and Eastern Europe: convergence toward a common model?. *Governance*, 22(3), 397-430.
- Dobbins, M., Knill, C., & Vögtle, E. M. (2011). An analytical framework for the cross-country comparison of higher education governance. *Higher Education*, 62(5), 665-683.
- Donina, D., Meoli, M., & Paleari, S. (2014). Higher education reform in Italy: Tightening regulation instead of steering at a distance. *Higher Education Policy*, 28(2), 215-234.
- Dordmond, G., de Oliveira, H. C., Silva, I. R., & Swart, J. (2021). The complexity of green job creation: An analysis of green job development in Brazil. *Environment, Development and Sustainability*, 23(1), 723-746
- Erwin, E. J., Brotherson, M. J. & Summers, J. A., (2011). Understanding Qualitative Metasynthesis: Issues and Opportunities in Early Childhood Intervention Research. *Journal of Early Intervention*, 33(3), 186-200.
- Fielden, J. (2008). Global trends in university governance. *Education working paper series*, 9, 278200-1099079877269.

- Fissi, S., Romolini, A., Gori, E., & Contri, M. (2020). The path toward a sustainable green university: The case of the University of Florence. *Journal of Cleaner Production*, 279, 123655. [DOI: 10.1016/j.jclepro.2020.123655]
- Frederickson Ha George (1999), "Ethics and the New Managerialism", *Public Administration & Management: An Interactive Journal*, 4, 2, 1999
- Giannakis, M., & Bullivant, N. (2016). The massification of higher education in the UK: Aspects of service quality. *Journal of Further and Higher Education*, 40(5), 630-648.
- Giannakis, M., & Bullivant, N. (2017). The massification of higher education in the UK: Aspects of service quality. *Journal of Further and Higher Education*, 40(5), 630-648.
- Hillman, N. W., Tandberg, D. A., & Gross, J. P. (2014). Performance funding in higher education: Do financial incentives impact college completions?. *The journal of higher education*, 85(6), 826-857.
- Huang, F. (2018). Higher education from massification to universal access: A perspective from Japan. *Higher Education*, 63(2), 257-270.
- Jongbloed, B. (2015). Marketisation in higher education, Clark's triangle and the essential ingredients of markets. *Higher education quarterly*, 57(2), 110-135.
- Kang, Yg, & Xiong, Wa (2021)d Is entrepreneurship a remedy for Chinese university graduates' unemployment under the massification of higher education? A case study of young entrepreneurs in Shenzhen. *International Journal of Educational Development*, 84, 102406.
- Kasztelan, A. (2017). "Green Growth, Green Economy and Sustainable Development: Terminological and Relational Discourse". *Prague Economic Papers*, 26(4), 487-499.
- Kohn, A(2018). 'The trouble with rubrics', *English Journal*, 95(4), ppn12-15.
- Kvilhaugsvik, H. (2022). Bridging higher education and the world of work? Employer panels in Nordic university governance. *European Journal of Higher Education*, 12(2), 117-133.
- Lo, W. Y. W., & Tang, H. H. H. (2017). Dancing with global trends: higher education policy and university governance in Hong Kong, 1997-2012. *Journal of Educational Administration and History*, 49(1), 53-71.
- Miller, G. N., & Mophew, C. C. (2017). Merchants of optimism: Agenda-setting organizations and the framing of performance-based funding for higher education. *The Journal of Higher Education*, 88(5), 754-784.
- Mitra, S.k. (2009). Why Universities Are Adopting Market Oriented Management Practices?. *Asian Social Science*, 5(3), 137-141.
- Mok, K. H., & Han, X. (2017). Higher education governance and policy in China: managing decentralization and transnationalism. *Policy and Society*, 36(1), 34-48.
- Nisar, M. A. (2015). Higher education governance and performance based funding as an ecology of games. *Higher Education*, 69(2), 289-302.
- Noui, R. (2020). Higher education between massification and quality. *Higher Education Evaluation and Development*, 14(2), 21-45.
- Quyên, Đu TnNs (2014)a Developing university governance indicators and their weighting system using a modified Delphi method. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 141, 828-833.
- Ross, F., & Woodfield, S. (2017). Mutuality, metaphor and micropolitics in collaborative governance: a joint venture in UK Higher Education. *Higher Education Quarterly*, 71(1), 33-52.
- Rowlands, J. (2013). Academic boards: less intellectual and more academic capital in higher education governance?. *Studies in Higher Education*, 38(9), 1274-1289.
- Sam, C., & Van Der Sijde, P. (2014). Understanding the concept of the entrepreneurial university from the perspective of higher education models. *Higher Education*, 68(6), 891-908.
- Santiago, R., Carvalho, T., & Cardoso, S. (2015). Portuguese academics' perceptions of higher education institutions' governance and management: a generational perspective. *Studies in Higher Education*, 40(8), 1471-1484.
- Shah, M. (2012). Ten years of external quality audit in Australia: Evaluating its effectiveness and success. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 37(6), 761-772.
- Shattock, M. (2002). Re-balancing modern concepts of university governance. *Higher Education Quarterly*, 56(3), 235-244.
- United Nations Environment Program (UNEP), 2011. *Towards a Green Economy: Pathways to Sustainable Development and Poverty Eradication*. UNEP/GRID, Arendal, Nairobi/Arenda
- Wen, W., & Marginson, S. (2023). Governance in Chinese universities. In *University collegiality and the erosion of faculty authority* (Vol. 86, pp. 171-197). Emerald Publishing Limited.
- Yeom, M. H. (2016). Critical reflection on the massification of higher education in Korea: consequences for graduate employment and policy issues. *Journal of Education and Work*, 29(1), 48-63.
- Yonezawa, A., & Shimmi, Y. (2015). Transformation of university governance through internationalization: Challenges for top universities and government policies in Japan. *Higher Education*, 70(2), 173-186.
- Yudianto, I., Mulyani, S., Fahmi, M., & Winarningsih, S. (2021). The influence of good university governance and intellectual capital on university performance in Indonesia. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 10(1), 57-70.